

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهرا (س)
سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۲۹، پیاپی ۱۱۴، بهار و تابستان ۱۴۰۱
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۷۹-۵۵

بازنمایی خشونت نظامیان عراقی در خاطره نگاشته های اسرای ایرانی جنگ / دفاع مقدس^۱

عبدالرحمن حسنی فر^۲، علیرضا ملایی توانی^۳، سعید نجار^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۲

چکیده

ناکامی های عراق در جبهه های جنگ علیه ایران از سویی و طبیعت خشونت طلب حکومت بعثی عراق از سویی دیگر باعث شد حکومت این کشور به گروهی از قربانیان جنگ، یعنی اسرای جنگی بیشترین خشونت را برای اعمال قدرت خود اعمال کند. اسرای ایرانی در بازداشتگاه های اعلام شده، مخفی یا در زندان های مخوف عراق، هدف انواع رفتار غیرانسانی و انتقام جویی رژیم حاکم در عراق قرار داشتند. انجام هدفمند این سبک رفتاری در زیرمجموعه خشونت سیاسی قرار می گیرد، همچنین می توان این مسئله را یک امر اجتماعی دانست که محصول محیط است و در انواع خشونت فیزیکی، روحی، فردی و ساختاری تقسیم بندی می شود. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی بر آن است تا انواع خشونت در خاطره نگاشته های اسرای ایرانی جنگ را بازنمایی کند. گستردگی اعمال خشونت فیزیکی در صورت انواع شکنجه های جسمی، اعمال محدودیت های دارویی برای اسرای بیمار و بی توجهی به بهداشت اردوگاه ها و همچنین ایجاد محدودیت در انجام مناسک مذهبی و سعی در آلوده کردن اسرا به مسائل مبتذل به عنوان نمود عینی شکنجه های روحی، از مسائلی

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HPH.2021.36731.1542

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088841.1401.32.29.3.9

۲. استادیار پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. hassanifar@yahoo.com

۳. استاد پژوهشی، تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. ar.mollaiy@ihsc.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول). saeednajar61@yahoo.com

- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان "بازنمایی وقایع تاریخی در خاطره نگاشته های اسرای ایرانی دفاع مقدس ۱۳۵۹-۱۳۶۷" در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال ۱۴۰۰ است.

است که در این خاطرات به فراوانی به آن‌ها اشاره شده است و می‌توان به آن‌ها به‌عنوان بخشی از داده‌های پژوهش اشاره کرد؛ داده‌هایی که همچنان نشانگر بی‌تفاوتی فاحش در روایت حوادث با تمام تفاوت‌های طبقاتی، قومی و اجتماعی خاطره‌نگاران است و به نوعی می‌توان با عنوان یکسانی روایت از آن‌ها نام برد.

کلیدواژه‌ها: دفاع مقدس، خودنگاشت، اسرای جنگی، خشونت، خشونت سیاسی

مقدمه

خاطرات خودنگاشت، کارنامه‌ای است که به قلم خود فرد درباره جنبه‌های بیرونی و درونی زندگی‌اش نگاشته می‌شود که شامل محیط اجتماعی، اعمال، رفتار، ذهنیات، اندیشه‌ها و نفسانیات فرد است. این نوع نوشته‌های تاریخی ادبی قابلیت انعکاس مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ادبی یک دوره خاص را دارد و تاریخ ایران از اواسط عصر ناصری، تحت تأثیر جریان‌های نوین شاهد شکل‌گیری این سبک نوشتاری است که به موازات دوره‌های مختلف دارای تحول کمی و کیفی مختلفی است؛ چنان‌که می‌توان ادعا کرد در رویدادهای بحرانی مانند انقلاب و جنگ، گسترش آن را در دو بُعد ذکر شده شاهدیم.

انقلاب مشروطه، تغییر رژیم قاجار به پهلوی، انقلاب اسلامی و جنگ هشت‌ساله عراق با ایران از نمونه‌هایی است که به‌خوبی این ادعا را ثابت می‌کند که بخش مهمی از طبقات گوناگون مردم در سال‌های رویداد و بعد از آن سعی در انعکاس وقایع در خاطرات خودنگاشت خویش دارند. از این دست است خاطرات اسرای جنگ هشت‌ساله به‌عنوان یکی از نزدیک‌ترین مثال‌ها به مسئله ذکر شده که می‌توان به‌روشنی آن‌ها را روایتی بازنمایی شده از رویدادهای زمان جنگ به‌ویژه در اردوگاه‌های عراق، جهت شناخت جبهه‌ای دیگر از جنگ دانست.

این خاطرات، از همان آغازین ماه‌های بعد از آزادی اسرا تا به امروز جریان ثبت و انتشار آن‌ها تداوم دارد و اگر به‌درستی شناخته شوند، نیز بررسی و راستی‌آزمایی اسنادی شوند، بدون شک نقش مهمی در شناخت تحولات مرتبط با جنگ، به‌خصوص در شناسایی عملکرد دشمن دارند؛ عملکردی که به‌تمامی در دایره خشونت می‌تواند گنجانده شود.

خشونت واقعیت انکارناپذیر تمام جوامع در طول دوره‌های مختلف تاریخی آن‌هاست. گروهی از نظریه‌پردازان خشونت را ذاتی امر سیاسی می‌دانند، لذا خشونت سیاسی را می‌توان یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌های مرتبط با انواع خشونت دانست که خود شامل دسته‌بندی‌هایی مبنی بر خشونت هدف‌مند و بی‌هدف، خشونت آشکار و پنهان، خشونت فردی و ساختاری، خشونت فیزیکی و روانی می‌شود.

همچنین جنگ را می‌توان خشونت سیاسی بسیار سازمان‌یافته بازتعریف کرد و اسرا را به‌عنوان یکی از قربانیان این خشونت محسوب داشت؛ لذا هدف پژوهش حاضر، شناخت چگونگی بازنمایی این مسئله در خاطرات خودنگاشت اسرای جنگ عراق با ایران است. این شناخت بدون شک ضرورت آن زمانی احساس می‌شود که با جست‌وجویی در پیشینه ادبیات تحقیقی در این موضوع متوجه می‌شویم که این خاطرات، به‌عنوان منابعی مهم، در تحقیقات تاریخی چندان به جد گرفته نشده‌اند.

پایگاه متفاوت خانوادگی، تنوع طبقاتی رزمندگان اسیر و همچنین رسته‌های نظامی متفاوت آنان باعث شده است که با تنوع دیدگاه‌ها و روایت‌ها از حوادث مشابه مواجه باشیم، لذا بنا بر محدودیت‌های مرتبط با یک مقاله علمی، سعی شد با در نظر گرفتن این گزاره، از میان خاطرات خودنگاشت اسرا دست به انتخاب نمونه‌هایی بزنیم. خودنگاشت ۳۰۰۰ روز اسارت از محمدرضا حسنی، آخرین شناسایی از مجید مطیعان، اردوگاه اطفال از احمد یوسف‌زاده، آزادی زیباترین لحظه زندگی از حسین ربیعی، برزخ اسارت از علیرضا دهنوی، پای که جا ماند از ناصر حسینی‌پور، دیار غربت از احمد مبهوتی و عنبر از جاسم مقدم آثاری‌اند که متن آن‌ها در این مقاله، به‌عنوان متن مرجع برای تحلیل درباره چگونگی بازنمایی خشونت در آن‌ها به‌عنوان سؤال پژوهش خواهد بود.

جدول ۱. کتب و خاطرنگاریها

ردیف	نویسنده	نام کتاب
۱	محمدرضا حسنی سعدی	۳۰۰۰ روز اسارت
۲	مجید مطیعان	آخرین شناسایی
۳	احمد یوسف‌زاده	اردوگاه اطفال
۴	علیرضا دهنوی	برزخ اسارت
۵	احمد مبهوتی	دیار غربت
۶	جاسم مقدم	عنبر
۷	سیدناصر حسینی‌پور	پای که جا ماند
۸	حسین ربیعی	آزادی زیباترین لحظه زندگی

عنوان و مسئله پژوهش حاضر که با رویکرد توصیفی تحلیلی مورد شناخت و تفسیر گرفته، همان‌گونه که گفته شد، دارای پیشینه خاصی در ادبیات تحقیقی زبان فارسی نیست. حتی می‌توان به جد ادعا کرد که بررسی و معرفی خاطرات اسرا به‌عنوان منابع تاریخی نیز چندان

مدنظر اهل تاریخ نبوده است؛ لذا در پژوهش پیش‌رو برآنیم تا ضمن برگرفتن مفاهیمی از دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی در شناخت مفهوم خشونت و انواع آن، به پاسخ‌گویی تحلیلی پرسش پژوهش پردازیم. باشد که روشن‌کننده بخشی از وقایع مرتبط با تاریخ جنگ هشت‌ساله عراق و ایران باشد.

مفاهیم نظری

همان‌گونه که در اصول تحقیق علمی مدنظر است، هر پژوهشی باید مبتنی بر مبانی نظری باشد. مبانی نظری متشکل از چارچوب مفهومی و چارچوب نظری است. «چارچوب مفهومی یعنی توضیح علمی مفاهیم نظری مورد استفاده در پژوهش» (حضرتی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). لذا در نوشتار حاضر، بنابر آنکه تکیه اصلی بر متون خاطره‌نگاری اسرای جنگ تحمیلی و چگونگی بازنمایی خشونت در دل این آثار است، با مفاهیم مرتبط با بازنمایی و خشونت مواجه‌ایم که ضروری است مورد شناسایی و چگونگی کاربست در این پژوهش قرار گیرند.

۱. بازنمایی

بازنمایی شیوه‌ای است که برای تأکید کردن بر متن استفاده‌شده، اما معنای عمومی آن بر مجموعه‌ای از فرایندهایی دلالت می‌کند که به وسیله آن ابژه یا عملی در جهان واقعی ترسیم شده و به نمایش درمی‌آید؛ بنابراین بازنمایی عملی نمادین است که جهان ابژه را انعکاس می‌دهد. در مطالعات فرهنگی، بازنمایی به سادگی به معنای انعکاس نمادین اشیا و اعمال در جهان واقعی نیست، بلکه برساختی از معناست که به هیچ‌وجه بر تطابق بین نشانه و ابژه بیرونی دلالت نمی‌کند، بلکه تأثیری بازنمایانه از واقع‌گرایی را خلق می‌کند. نتیجه این امر رابطه‌ای بودن و ناپایداری معناست و نه ارجاعی و ثابت بودن آن (مرادی، ۱۳۹۰: ۲۵-۲۴).

این موضوع که به نوعی رابطه بین گفتمان و هویت برساخته هر فردی نیز هست، دقیقاً با نوعی از خاطرات خودنگاشت و چگونگی روایت آن‌ها تطابق دارد. همان‌گونه که در آغاز مقدمه گفته شد، در این پژوهش منظور خاطراتی است که «نویسنده آن گروه از تجارب گذشته را که برای خودش اهمیت دارد، از دیدگاه امروزی‌اش توصیف می‌کند» (مارتین، ۱۳۹۱: ۵۱)؛ لذا بازنمایی گذشته با توجه به موقعیت کنونی راوی مدنظر است و گاه ممکن است از یک رویداد روایت‌های متفاوت خلق شود؛ زیرا خود زندگی‌نامه‌نگار بیش از آنکه رویداد دیروزی را شرح دهد، براساس شرایط فعلی خود سعی در بازنمایی آن دیروز و هویت‌سازی خود بر آن اساس دارد.

۲. معناشناسی خشونت و انواع آن

خشونت واژه‌ای است که «مفهومی گسترده دارد و به‌سختی می‌توان آن را صرفاً در یک بُعد تعریف کرد. برای نمونه، اگر تنها مفهوم فیزیکی یا طبیعی خشونت را در نظر داشته باشیم، آن را می‌توانیم نوعی قدرت یا زور تعریف کنیم که با تحمیل خود به سایر پدیده‌ها اعم از پدیده‌های انسانی یا غیرانسانی حدود قدرت آن پدیده‌ها را مشخص می‌کند» (فکوهی، ۱۳۷۸: ۷).

در معنای خشونت و تعریف آن بین صاحب‌نظران توافقی وجود ندارد، لذا در ارائه تعریفی از این مقوله، مشکلی اساسی وجود دارد. «با این همه می‌توان گفت در این تعریف، اجماعی نسبی وجود دارد که برحسب آن خشونت این‌گونه تعریف می‌شود: «هرگونه تهاجم فیزیکی علیه هستی انسان که با انگیزه آسیب، رنج و یا لطمه‌زدن همراه باشد».

در این تعریف تأکید صرف بر تهاجم فیزیکی می‌شود، درحالی‌که ممکن است برخورد و تهاجم کلامی باشد و چه‌بسا در برخورد کلامی وجه خشونت قوی‌تر و مؤثرتر از تهاجم فیزیکی تلقی شود، مگر اینکه در تعریف بحث‌شده، اصطلاح فیزیکی به معنای عام به کار برده شود که در این صورت دو مشکل جدی پیدا می‌کند: اولاً تهاجم در محاورات به‌طور الزامی متضمن خشونت کلامی نیست؛ ثانیاً در برخورد کلامی آنچه خشونت‌زاست، الفاظ، اصوات یا امواج صوتی نیست، بلکه مفاد کلمات است که مخاطب را آزرده‌خاطر می‌سازد» (هزواهی، ۱۳۸۳: ۱).

پس خشونت را می‌توان به‌مثابه تجلی افراطی و شدید خشم و عصبانیت به‌صورت احساسی یا کلامی در نظر گرفت (زارع، ۱۳۸۸: ۸۴). این رفتار می‌تواند شامل تحقیر، اهانت، دشنام و توهین یا تلاش برای آسیب فیزیکی باشد. در هر شیوه، هدف از رفتار آسیب رساندن به دیگران، یعنی تحمیل درد و رنج فیزیکی یا روحی‌روانی است. خشونت و پرخاشگری با توجه به تعاریفی که اشاره شد در سطح فردی و جمعی تجلی می‌یابد، اما می‌توان آن را فرآورده‌ای اجتماعی تلقی کرد که با الهام از عوامل مختلف اجتماعی در عرصه‌های گوناگون کنش اجتماعی جلوه‌گر می‌گردد (محسنی، ۱۳۸۳: ۱۷۸).

باید گفت از مفهوم خشونت «تاکنون دسته‌بندی‌های گوناگونی عرضه شده است که از آن جمله می‌توان به دسته‌بندی گالتونگ مبنی بر خشونت هدفمند و بی‌هدف، خشونت آشکار و پنهان، خشونت فردی و ساختاری، خشونت فیزیکی و روانی، خشونت معطوف به قربانی و خشونت بدون قربانی اشاره کرد» (حیدری چروده، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۰). در تقسیم‌بندی انواع خشونت نیز با تکیه بر منابع معتبر می‌توان قائل به یک جمع‌بندی در این خصوص بود و

۶۰ / بازنمایی خشونت نظامیان عراقی در خاطره‌نگاشته‌های اسرای ایرانی جنگ/دفاع مقدس / حسنی فر و ...

به‌صورت کلی این موارد را ذکر کرد: خشونت‌های مجاز و غیرمجاز، خشونت‌های فیزیکی و غیرفیزیکی و خشونت‌های فردی و اجتماعی که در ذیل تعریفی مختصر از هریک بیان شد:
خشونت‌های فیزیکی و غیرفیزیکی: خشونت‌های فیزیکی به آن دسته از اعمالی گفته می‌شود که به‌صورت عینی و محسوس در عالم خارج تحقق پیدا می‌کند؛ مانند: قتل، حبس، ضرب و جرح.

خشونت‌های غیرفیزیکی عبارت است از اقداماتی که به‌طور کلی محسوس و ملموس نیستند، مانند بی‌اعتنایی، نگاه تحقیرآمیز، برخورد تبعیض‌آمیز یا درجهٔ محسوس بودن آن‌ها نسبت به دستهٔ اول بسیار اندک است و امر محسوس خود ابزاری بیش نیست، مانند ناسزاگویی و سخنان تحقیرآمیز. البته باید توجه داشت که دامنهٔ خشونت‌های غیرفیزیکی بسی گسترده است، مثل سلب انواع آزادی‌های مشروط، تحمیل حاکمیت و ایجاد محیطی بسته که رشد و بالندگی آدمیان را مانع شود (هزواهی، ۱۳۸۳: ۲).

خشونت‌های فردی و اجتماعی: در خشونت‌های فردی قربانیان خشونت، افرادند، اما در خشونت‌های اجتماعی، قربانی این اقدام جوامع خواهند بود. این خشونت‌ها ممکن است منشأ داخلی یا خارجی داشته باشند. خشونت‌های اجتماعی داخلی، مانند سرقت‌های مسلحانه، قتل‌های زنجیره‌ای، تظاهرات خیابانی، نفی آزادی، سلب اختیار از مردم در تعیین مدیریت جامعه یا نظارت بر حاکمان است و خشونت‌های اجتماعی خارجی، مانند استعمار، جنگ و تحمیل سیستم تک‌محصولی به‌منظور فشار بر ملت‌ها برای تأمین منافع قدرتمندان، اشاعهٔ اندیشه‌های شک‌آلود و مفسد اخلاقی که استعمار فرهنگی نام گرفته، تحقیر و توهین به مقدسات و مبانی اعتقادی جامعه و تحقیر و نژادپرستانهٔ جوامع است (همان)

البته باید گفت خشونت واقعیت انکارناپذیر تمام جوامع در طول دوره‌های مختلف تاریخی آن‌هاست و با اینکه هیچ‌گاه از بین نرفته، همیشه کوشش شده است محدودیت‌هایی در اعمال آن صورت گیرد. در همین مسئلهٔ وجود همیشگی آن «گروهی از نظریه‌پردازان خشونت را ذاتی امر سیاسی می‌دانند. گوهر سیاست از این منظر، مقولهٔ قدرت است و امر مبتنی بر قدرت، نمی‌تواند فارغ از پدیدار خشونت جاری باشد. گروه دیگر نظریات، خشونت را مستقل از امر سیاسی می‌دانند» (اردکانی و الله‌دادی، ۱۳۹۷: ۱۱۵)

در میان پژوهشگران ایرانی نیز سعید پیوندی از کسانی است که به ملازمت قدرت و خشونت اذعان دارد و بر همین اساس بر چندگانگی خشونت در تاریخ معاصر ایران با ذکر چند نمونه اشاره کرده که از جمله مهم‌ترین منابع آن‌ها را حاکمیت سیاسی و فعالیت‌های نظامی خارجی بیان کرده است (پیوندی، ۱۳۸۴: ۱۰۶۳-۱۰۶۱). فکوهی نیز تقریباً چنین دیدگاهی دارد

(فکوهی، ۱۳۷۸: ۹)

درباره انواع خشونت‌های سیاسی نیز مانند تعریف خود واژه خشونت و انواع گوناگون آن، تنوع دسته‌بندی را شاهدیم. به‌عنوان مثال «تد رابرت‌گر» آشوب، توطئه و جنگ درون‌کشوری را از مصادیق بارز خشونت سیاسی ذکر کرده و جنگ را خشونت سیاسی بسیار سازمان‌یافته بازتعریف کرده است (رابرت‌گر، ۱۳۸۸: ۴۲)

بر همین اساس «جنگ را از نظر گستردگی و شدت خشونت به‌کارگرفته‌شده و همچنین میزان تخریب و تلفات ناشی از آن باید حادث‌ترین شکل خشونت سیاسی از بالا به حساب آورد. مفهوم جنگ را می‌توان «رودروبی سازمان‌یافته میان دو یا چند دولت مستقل بر سر اختلاف‌ها و اهداف رسمی و از پیش اعلام‌شده» تعریف کرد.

دلیل اصلی جنگ را باید در نابرابری میان دو یا چند دولت دانست. این نابرابری می‌تواند دو شکل اساسی داشته باشد، نخست نابرابری اقتصادی یا رشد اقتصادی نابرابر میان دولت‌های همسایه که خود می‌تواند حاصل شرایط طبیعی یعنی نابرابری منابع یا شرایط غیرطبیعی، نظیر سیاست غلط اقتصادی، تأثیر بازار جهانی و غیره باشد. این امر سبب می‌شود جنگ با انگیزه گرفتن غنیمت و غارت آغاز شود. نمونه چنین جنگ‌هایی در تاریخ فراوان بوده و آخرین مورد آن جنگ عراق با ایران (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸) و جنگ عراق با کویت و متحدانش در آغاز دهه ۹۰م بود. دومین دلیل در نابرابری سیاسی یعنی وجود نظام‌های سیاسی متناقض و متضاد در کشورهای هم‌جوار یا نزدیک به هم است (فکوهی، ۱۳۷۸: ۲۰۹-۲۰۸)

براساس تعاریف ذکرشده درباره مفاهیم مرتبط با خشونت و انواع آن، می‌توان خشونت سیاسی در گونه جنگ خارجی را مفهوم مدنظر این پژوهش برای کاربست در تحلیل خاطرات اسرای جنگ تحمیلی دانست. تحلیلی که در ادامه پژوهش با شرح تاریخی چگونگی آغاز جنگ و بروز این خشونت و بازتاب ویژه آن بر روی اسرا با تکیه بر خاطرات آن‌ها واکاوی خواهد شد.

روایت تاریخی جنگ و تحلیل متن خاطرات اسرا

جنگ یا نبرد مسلحانه بین دولت‌ها، به‌عنوان واقعیتی در جوامع بشری، مفهومی عام و از جنبه‌های مختلف تعریف‌شدنی است و به انواع متعددی نظیر تهاجم نظامی، جنگ تدافعی، مشروع یا نامشروع، متعارف یا غیرمتعارف، داخلی یا بین‌المللی و... تقسیم می‌شود. بسیاری مواقع جنگ، اقدامی ناپسند، غیرعقلی، غیردینی و نامقدس است. نظیر تجاوزات نظامی و راه‌اندازی جنگ به‌سبب سلطه‌طلبی، جاه‌طلبی، چپاول منابع ملت‌های دیگر و...

(عسگری، ۱۳۹۳: ۳۲)

جنگ هنگامی که حالت دفاعی داشته باشد بدون شک، مقدس و پسندیده است. از این نمونه است جنگ ایران در مقابل تجاوز نظامی عراق. جنگ عراق با ایران که در ایران با نام‌های «دفاع مقدس»، «جنگ تحمیلی» و «جنگ هشت‌ساله» شناخته می‌شود، طولانی‌ترین نبرد کلاسیک در قرن بیستم و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود (صالحی، ۱۳۹۱: ۷).

ناکامی‌های عراق در جبهه‌های جنگ از سویی و طبیعت خشونت‌طلب حکومت بعثی عراق از سوی دیگر باعث شد حکومت این کشور به یک گروه از قربانیان جنگ، یعنی اسرای جنگی بیشترین خشونت را برای اعمال قدرت خود، به کار گیرد. اسرای ایرانی «در بازداشتگاه‌های اعلام‌شده، مخفی یا زندان‌های مخوف عراق، هدف انواع رفتار غیرانسانی و انتقام‌جویی رژیم حاکم در عراق قرار داشتند و با وجود آنکه ایران و عراق طرف‌های کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو بودند، ابتدایی‌ترین حقوق اسیران جنگی ایرانی رعایت نمی‌شد تا حدی که می‌توان گفت عملکرد عراقی‌ها در این زمینه کلکسیونی از موارد نقض عمده کنوانسیون سوم ژنو بودند» (صادقی، ۱۳۸۰: ۹۲).

خاطرات پرشمار اسرای یکی از اسناد متقن و روشنی است که به‌خوبی خشونت اعمال‌شده بر آنان را از سوی نیروهای عراقی که اغلب به‌صورت شکنجه جسمی و روحی بوده، بازنمایانده است. در پژوهش حاضر همان‌گونه که گفته شد، با تکیه بر خاطرات خودنگاشت اسرا، هشت مورد از آن‌ها را به‌منظور تحلیل متنی انتخاب کرده‌ایم.

در این انتخاب، پایگاه متفاوت اجتماعی، تنوع قومیتی رزمندگان اسیر و همچنین رسته‌های نظامی متفاوت آنان را منطبق انتخاب برای تنوع روایتی مدنظر داشته‌ایم. نکته مهم در انتخاب این خاطره‌نگاران آن است که اغلب آن‌ها درحالی که مجروح بودند به اسارت دشمن درآمدند و بیشترشان دارای جانبازی بیش از ۴۰ درصد هستند. همچنین تماماً در سنین نوجوانی یا آغاز جوانی به بند رژیم بعثی گرفتار آمدند. موردی که خود به‌خوبی گویای بی‌تجربگی آنان در امور نظامی بوده است؛ لذا زمان نگارش این آثار نیز به‌جز یک مورد که در میان‌سالی راوی است، بقیه موارد در زمان جوانی آنان بوده است.

موقعیت کنونی آنان که اغلب به‌عنوان کارمندان دستگاه‌های اداری مختلف در آغاز آثارشان ذکر شده و همچنین متن این خودنگاشت‌ها نیز به‌خوبی نشانگر این است که این اسرای خاطره‌نگار تماماً متعلق به طبقات متوسط و پایین جامعه بوده‌اند. در ادامه، اطلاعاتی درباره آنان به‌صورت جدولی برای شناخت کلی از آنان ارائه می‌شود.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۶۳

جدول ۲. معرفی کلی اسرای خاطره‌نگار

نام اسیر	اثر	سن در زمان اسارت	مدت اسارت (ماه)	اردوگاه اسارت	پایگاه اجتماعی و قومی	مذهب	میزان تحصیلات در زمان اسارت	میزان تحصیلات در زمان روایت	رسته نظامی
محمد رضا حسینی	۳۰۰۰ روز در اسارت	۲۳	۹۹	موصل ۴	فارس - شهری	شیعه	دانشجو	دانشجو	سپاه
مجید مطیعان	آخرین شناسایی	۲۰	۲۰	عنبر	فارس - شهری	شیعه	دیپلم	دیپلم	بسیج
احمد یوسف‌زاده	اردوگاه اطفال	۱۶	۹۹	رمادی ۱ و ۲	فارس - شهری	شیعه	سوم دبیرستان	ارشد	بسیج
حسین ربیعی	آزادی زیباترین لحظه زندگی	۲۷	۵۴	رمادی ۱	فارس - شهری	شیعه	کاردانی	کارشناسی	بسیج
علیرضا دهنوی	برزخ اسارت	۲۰	۱۰۱	موصل ۲	فارس - شهری	شیعه	دیپلم	دیپلم	ارتش
ناصر حسینی‌پور	پایه که جا ماند	۱۶	۲۸	تکریت ۱۶	روستایی - لر	شیعه	سوم راهنمایی	دیپلم	بسیج
احمد مبهوتی	دیار غربت	۲۰	۷۸	موصل ۲	آذری - شهری	شیعه	دیپلم	سطح ۴ حوزه	بسیج
جاسم مقدم	عنبر	۱۸	۹۱	عنبر	عرب - شهری	شیعه	دیپلم	کارشناسی	بسیج

چنان‌که در جدول فوق نشان داده شده، با تفاوت پایگاه اجتماعی، رسته نظامی، قومیت و میزان اختلاف مشخص درباره تحصیلات این راویان اسیر مواجهه‌ایم. هرچند باید گفت این تفاوت‌ها، روایت‌های متضاد و دارای اختلاف فاحش در مسائل مختلف را منجر نشده است. این اسرا با تمام تفاوت‌ها، یکسان تحت تمام فشارها و شکنجه‌ها بوده‌اند و آثارشان به زبان‌های مختلف روایتگر این دوران محنت‌زاست. چنان‌که جدول آماری نشان می‌دهد بیشتر آن‌ها سال‌های طولانی را در بند اسارت بوده‌اند و لذا بر مسائل اردوگاه‌ها و جریان‌ات اشراف کامل داشته‌اند.

می‌توان ادعا کرد بخش اعظم خاطرات اسرا، حتی منهای این نمونه‌های انتخاب‌شده در یک

خط سیر مشخص نوشته شده‌اند و با بررسی تک‌تک آن‌ها صرفاً می‌توان تکرار حوادث را در آثار مختلف رؤیت کرد. برای مثال تمام آنان از سختی‌های لحظه‌اسارت، شکنجه‌های اولیه در استخبارات عراق، گذر همیشگی از تونل وحشت، تحمل انواع شکنجه‌ها با باتوم، شوک الکتریکی و کابل و شلاق، بی‌توجهی تعمدی عراقیان به مسائل بهداشت و تغذیه اسرا و شرایط حاد اسرای بیمار روایت‌هایی را با کمی تفاوت نقل کرده‌اند.

همچنین بسیاری از آنان از شکنجه‌های روحی مثال‌های مختلفی را ذکر کرده‌اند، مانند ممانعت نیروهای بعثی از اجرای مراسم‌های مذهبی، اجبارکردن آنان به تماشای تلویزیون و فیلم‌های مستهجن، پخش اخبار جعلی درباره‌ی جبهه‌های جنگ و مسائل ایران و بسیاری مسائل جزئی دیگر که در زیرمجموعه‌ی همین روایت‌های کلان قرار می‌گیرد؛ لذا می‌توان گفت این خاطرات بیش از آنکه شامل تنوع روایتی از حوادث مختلف باشند، داستان‌هایی تکراری با روایت‌های مختلف است. بخش بعدی پژوهش حاضر به‌خوبی بازگوکننده‌ی تحلیل حاضر مبتنی بر داده‌های متنی و فکت‌های تاریخی بازتاب داده شده در این آثار است.

بازنمایی خشونت در خاطرات اسرا

همان‌گونه که در تقسیم‌بندی انواع خشونت ذکر و تعریف شد، خشونت فیزیکی یکی از انواع رایج خشونت‌هاست. در بررسی متن خاطرات اسرا نیز شاهد آنیم که متأسفانه بروز خشونت فیزیکی به شکل انواع شکنجه، به بهانه‌های مختلف جزئی همیشگی از زندگی روزانه اسرای ایرانی دربند رژیم بعث حاکم بر عراق بوده است. به گفته‌ی یکی از آن‌ها نیازی به دلیل خاصی برای اعمال شکنجه نبود: «معاون اردوگاه یک افسر جلادصفت بود. او برای تنبیه بچه‌ها دنبال بهونه نبود. یک روز از هر آسایشگاه سه نفر را جدا می‌کرد و وسط اردوگاه آن‌ها را شکنجه می‌کرد» (مبهوتی، ۱۳۸۸: ۹۲).

همچنین یکی دیگر از این راویان خاطره‌نگار به‌صراحت گفته: «عراقی‌ها چند نوع شکنجه داشتند. شکنجه‌ی هوایی، زمینی، دریایی. شکنجه‌ی هوایی‌شان همان آویزان کردن به حلقه‌های پنکه‌ی سقفی بود. شکنجه‌ی زمینی، سینه‌خیز، کلاغ‌پر، شنا و روی زمین غلتیدن. شکنجه‌ی دریایی نیز انداختن داخل کانال فاضلاب بود. شکنجه‌های دیگری هم داشتند که بچه‌ها به آن جوجه‌کباب می‌گفتند. در این شکنجه، بچه‌ها را در گرمای سوزان، بدون زیرپیراهن روی آسفالت داغ می‌خوابانند و بر پشت بچه‌ها راه می‌رفتند. این شکنجه در دژبان مرکز بغداد زیاد مرسوم بود (حسینی‌پور، ۱۳۹۱: ۵۶۳).

مطیعان نیز ضمن تأیید موارد ذکر شده، در بخشی از خاطرات خویش بخشی از

رویدادهای دردناک را این‌چنین شرح داده: «گاهی بچه‌ها را در زمستان زیر دوش آب سرد می‌بردند و بعد با کابل آن‌ها را می‌زدند تا بی‌هوش شوند. گاهی هم بچه‌ها را داخل گونی می‌کردند و آن‌قدر می‌زدند که خون از گونی‌ها جاری می‌شد. یکی دیگر از شکنجه‌ها فلک‌کردن بود. در این شکنجه حتی اسرای مجروحی که یک پا داشتند هم درمان نبودند» (مطیعان، ۱۳۶۹: ۶۰).

دامنه گسترده این شکنجه‌ها آن‌چنان وسیع بود که بخش اعظمی از خودنگاشت اسرا را به خود اختصاص داده و این خاطرات را به تاریخی زنده از بازتاب غیرانسانی‌ترین اعمال در زیرمجموعه خشونت سیاسی هدف‌مند تبدیل کرده است. برای نمونه‌هایی دیگر می‌توان از نبود بهداشت مناسب اردوگاه‌ها که خود زمینه‌ساز انواع بیماری‌ها بوده، یاد کرد. همچنین در زمینه تغذیه محرومیت‌های شدیدی به‌عنوان بخشی از شکنجه غیرمستقیم به شمار می‌آید. مؤلف ۳۰۰۰ روز در اسارت در همین زمینه با مثالی از بحث کم‌بودن حقوق ماهیانه اسرا شرحی داده که باعث می‌شد آن‌ها قادر به تأمین حداقل‌ها نیز نباشند و لذا سلامت جسمی آن‌ها همیشه در معرض آسیب جدی بوده است (حسنی، ۱۳۸۷: ۳۸).

ربیی در همین باره گفته: «اسرا همیشه گرسنه بودند. از شدت گرسنگی حتی خمیر نان‌ها را می‌خوردیم. غذا را در یک ظرف تقسیم می‌کردند و ده نفری با هم غذا می‌خوردیم. آن‌قدر غذایمان کم بود که برای اینکه کسی عقب نماند با تصویب اعضای سفره، یک نفر که مسئول سفره بود از یک شروع می‌کرد به شمردن، با هر شماره، همه باهم یک قاشق برنج می‌خوردیم و پس از آن باید منتظر می‌شدیم تا عدد بعدی گفته شود و به همین ترتیب تا آخرین قاشق غذا را به پایان می‌رساندیم و به هر نفر هفت قاشق برنج می‌رسید» (ربیی، ۱۳۸۵: ۸۳) روایتی این‌چنین نیز موردی است که راوی پایی که جا ماند نیز آن را با نگارشی دیگر شرح داده و به‌روشنی گواهی بر شرایط اسفناک اسرا است (حسینی‌پور، ۱۳۹۱: ۳۵۰).

در زمینه مسائل بهداشتی و دارویی نیز چنان‌که گفته شد، خاطرات اسرا شاهد مثال‌های گویایی از کمبود و عدم رسیدگی تعمدی حکومت عراق در این مسائل بوده که می‌توان حتی آن‌ها را به‌عنوان نوعی شکنجه مستقیم دانست. نویسنده خودنگاشتی با عنوان *آخرین شناسایی مسئله کمبود دارو را موردی دردناک برای اسرای مجروح وصف کرده و در این باره نوشته: «بچه‌های مجروح در اردوگاه همیشه از لحاظ دارو در مضیقه بودند، با اینکه یک دکتر ایرانی مسئول رسیدگی به بیماران بود، اما نظر او هیچ‌گاه برای تجویز دارو شرط نبود. دکتر عراقی هفته‌ای یک‌بار بچه‌ها را ویزیت می‌کرد و به مقدار کم دارو می‌نوشت» (مطیعان، ۱۳۶۹: ۴۱).*

عدم رسیدگی پزشکی، یکی از عوامل بیماری‌ها و مرگ‌های نابهنگام اسرا در اردوگاه‌ها

بود. همچنین می‌توان گفت این شرایط صرفاً در زمان جنگ جاری نبوده، بلکه دو سال بعد از آتش‌بس که اسارت به دلایل متعدد تداوم داشت، این وضعیت ادامه داشته است. برای مثال، حسینی‌پور یکی از این وقایع را این‌گونه شرح داده: «تلاش بچه‌ها برای بهبودی حال علی و وادار کردن او به غذا خوردن و راه رفتن فایده‌ای نداشت. از بس لاغر شده بود شکمش به پشتش چسبیده بود نمی‌توانست لب به غذا بزند وقتی از نگهبان‌ها خواهش کردیم به او سرم بزنند می‌گفتند ما به دشمن سرم غذایی وصل نمی‌کنیم. هادی گنجی به پرستار گفت حالا که موقع این حرف‌ها نیست جنگ تموم شده به این مجروح برسید ما هم تو ایران مجروحین عراقی رو مثل مجروحین ایرانی بهشون رسیدگی می‌کنیم. علی بعد از یک هفته که نمی‌توانست لب به غذا بزند شهید شد» (حسینی‌پور، ۱۳۹۱: ۳۰۷-۳۰۶).

راوی کتاب عنبر نیز از مرگ یک اسیر به دلیل داشتن بیماری خاص و عدم رسیدگی پزشکی به وی سخن گفته و این حادثه دردناک را چنین روایت کرده است: «یکی از برادران به نام شاهپور صادقی بیماری خاصی داشت که می‌بایست خون او تعویض گردد. چند روزی مقداری آمپول به او می‌دادند، اما بعد از مدتی آمپول‌ها را قطع کردند. بیماری او بسیار حاد شد. او را به بیمارستان تموز انتقال دادند و آنجا هم به علت عدم رسیدگی به شهادت رسید. به طوری که با خودکار روی تخت خودش این جمله را نوشت کشتند مرا، کشتند مرا» (مقدم، ۱۳۸۴: ۶۱).

شکست‌های بعد از اتمام جنگ و دوران آتش‌بس، همچنان که روایتی ذکر شد و نمونه‌های دیگری از آن در خاطرات اسرا وجود دارد، نه تنها کم نشده بود، بلکه گاهی تشدید نیز می‌شد که به خوبی نشان از عداوت و کینه بی‌انتهای نیروهای بعثی است؛ مثلاً ربیعی یکی از این اتفاقات دردناک را این‌گونه بازنمایی کرده است: «معاون اردوگاه از چند نفر تکه کاغذی را کشف کرد که بر روی آن نقشه‌ای رسم شده بود. به این بهانه که شما قصد فرار داشته‌اید، آن چند اسیر را اذیت و آزار کرد. او دستور داد به آن‌ها بیل و کلنگ بدهند تا خودشان زمین را بکنند و تا گردن خود را زیر خاک دفن کنند. زندانی‌ها از دستور وی امتناع کردند. افسر عراقی گفت اگر این کار را نکنید دستور می‌دهم با لودر شما را زیر خاک کنند! لحظه‌ای بعد دیدند لودری از آن طرف پادگان در حال حرکت است. ناچار به کندن زمین شدند. زمین را کندند و نیمی از بدن خود را در خاک دفن کردند. به واقع هیچ‌کس فکر نمی‌کرد با وجود پایان جنگ و مذاکرات صلح، چنین روزهایی بر اسرا بگذرد» (ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۹۸).

توصیف شرایط غیربهداشتی اردوگاه‌ها نیز از دیگر موارد ذکر شده در خاطرات خودنگاشت اسراست. برای مثال، مشکل سرویس‌های بهداشتی و عدم اجازه ۱۲ ساعته به اسرا برای استفاده

از توالت‌های عمومی از این دست روایت‌هاست که در خاطرات افرادی مانند حسینی‌پور به‌صراحت به آن پرداخته شده است (حسینی‌پور، ۱۳۹۱: ۴۵۷-۴۵۴). همچنین دهنوی نوشته است: «ساعت چهار بعدازظهر به آسایشگاه‌ها می‌رفتیم و تا فردا ساعت هشت‌ونیم اجازه بیرون آمدن نداشتیم. از آنجا که احتیاج به دستشویی داشتیم چاره‌ای نبود جز آنکه از گوشه‌ای در آسایشگاه به‌عنوان توالت استفاده کنیم. این کار علاوه‌بر اینکه فضای اتاق را نامطبوع می‌کرد، باعث ایجاد بیماری‌های مختلفی هم می‌شد» (دهنوی، ۱۳۷۲: ۳۶).

ماده سی‌وچهارم عهدنامه سوم ژنو به‌صراحت اسیران را در انجام فرایض و مراسم مذهبی خویش آزاد می‌داند و در همین راستا گفته است کشور اسیرکننده نمی‌تواند مانع از اجرای این امور شود (رابرت‌گر، ۱۳۸۸: ۱۸۲)، اما برخلاف عهدنامه مذکور و با تکیه بر روایت‌های متعدد اسیران ایرانی که در ذیل بررسی خواهند شد، می‌توان ادعا کرد دولت عراق نه‌تنها برخلاف این عهدنامه بین‌المللی عمل می‌کرده، بلکه برخلاف ارزش‌های اسلامی که خود مدعی اجرای آن نیز بوده، مانع برگزاری مراسم‌های مذهبی اسرا می‌شد. موانعی که صرفاً در خشونت غیرفیزیکی تقسیم‌بندی نمی‌شود، زیرا اغلب با شکنجه فیزیکی بانیان اصلی مراسم‌ها نیز همراه بوده است. برای مثال حسنی در این باره روایت کرده: «علی صالحی اهل بندرعباس جلو ایستاد نماز را به جماعت به جای آوردیم او را جدا کرده به تخت بستند و چنان کتک زدند که گویی عامل اصلی همه فتنه‌ها را شناسایی کردند» (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۴). راوی کتاب عنبر نیز به‌صراحت دلیل برگزار نشدن نمازهای جماعت را ممنوعیت هر گونه مراسم مذهبی جمعی نقل کرده است (مقدم، ۱۳۸۴: ۳۳).

مؤلف آخرین شناسایی نیز توصیفی این چنین دقیق از حال و هوای اردوگاه‌ها در ایام محرم ارائه داده: «با فرارسیدن ماه محرم وضع اردوگاه به‌کلی عوض شد. عراقی‌ها روی این مسائل تکیه می‌کردند. بچه‌ها را کتک می‌زدند و سخت‌گیری هر روز شدیدتر می‌شد. آن‌ها مدام سعی می‌کردند بچه‌ها را از حالت دعا و مسائل معنوی خارج کنند و به‌طرف مسائل فرعی سوق دهند. هر روز صبح زیارت عاشورا برقرار بود و شب‌ها نیز مراسم سینه‌زنی خفیفی برگزار می‌شد. عراقی‌ها هم متقابلاً عکس‌العمل‌هایی از خود نشان می‌دادند و سعی می‌کردند با ایجاد مشکلات مانع اجرای مراسم شوند. در هر آسایشگاه بلندگوی مخصوصی نصب کرده بودند که از صبح تا نیمه‌های شب آهنگ‌های مبتذل پخش می‌کرد» (مطیعان، ۱۳۶۹: ۵۳-۵۲).

حسینی‌پور نیز تنبیه و شکنجه کسانی را که برای امام حسین عزاداری می‌کردند، سنگین دانسته و در روایتی شیرین از یکی از این لحظات تلخ نوشته: «من و حیدر هر کدام ۷۰ ضربه کامل خوردیم. وقتی هفتاد ضربه تمام شد حیدر گفت «جون مادرت دو تا دیگه هم بزن» و

آن‌ها زدند. ذهن حیدر به کجا رفته بود، می‌گفت بذار به تعداد شهدای کربلا کابل بخوریم، به خاطر عزاداری اربعین به اسرای بازداشتگاه آب ندادند» (حسینی‌پور، ۱۳۹۱: ۳۷۳-۳۷۲).

داده‌های تاریخی ذکرشده به‌عنوان چند نمونه از مثال‌های متعدد در این زمینه که در خاطرات اسرا به تواتر نقل شده، به‌روشنی بیانگر چگونگی اعمال خشونت روحی و فیزیکی در حق اسیران برای یکی از حقوق بدیهی آن‌هاست. نگاهی به متن خاطرات اسرا روایتگر روی دیگر سکه این ماجرا نیز هست؛ زیرا با تکیه بر این گزارش‌های روشن تاریخی شاهدیم که نیروهای امنیتی و نظامی عراقی، به همان میزان که مانع اجرای مراسم‌های مذهبی بوده‌اند، سعی می‌کردند با در اختیار قرار دادن تلویزیون و مجلات عراقی که اغلب مبتنی بر پخش عکس‌ها و فیلم‌های خلاف عقاید رزمندگان دربند ایرانی بود، آن‌ها را شکنجه روحی همراه با سوق دادن به تأثیرات سوء این فیلم‌ها کنند.

مبهوتی از آزادگانی است که به‌صراحت این مسئله را در خاطرات خویش بازنمایی کرده و در این باره نوشته: «داستان تلویزیون در طول اسارت هر چند وقت یک‌بار مطرح می‌شد. عراقی‌ها اصرار داشتند که اسرا باید تلویزیون ببینند و اسرا با توجه به مفاسد و عواقب آن امتناع می‌کردند. اینکه چرا عراقی‌ها اصرار داشتند و اسرا سعی می‌کردند بساط تلویزیون جمع شود به این دلیل بود که تلویزیون عراق با آن وضعی که داشت قطعاً در زندان و محیط بسته اسارت موجب عوارض روانی و تحریک‌گریزه جنسی می‌شد. کما اینکه در بعضی از اردوگاه‌ها این اتفاق افتاده بود» (مبهوتی، ۱۳۸۸: ۱۹۷).

مطیعیان نیز دیدن تلویزیون و برنامه‌های مبتذل آن را امری اجباری برای اسرا بیان کرده و این برنامه هدایت‌شده عراقی‌ها را این چنین روایت می‌کند: «عراقی‌ها از کثیف‌ترین راه‌ها برای شکستن مقاومت بچه‌ها استفاده می‌کردند. هفته‌ای دو بار از طریق ویدئو فیلم نمایش می‌دادند. غالباً فیلم‌های مبتذل ایرانی و خارجی و گاهی هم فیلم‌هایی از صدام که به زیارت می‌رفت و در کنار ضریح، آن هم با کفش تظاهر به اقامه نماز می‌کرد. تماشای همه آن‌ها اجباری بود، به‌طوری که هنگام پخش فیلم صورت‌ها باید به‌طرف تلویزیون می‌بود. گاهی اتفاق می‌افتاد در پایان فیلم یکی از بچه‌ها را بلند می‌کردند و در مورد جریان فیلم از او سؤالاتی می‌پرسیدند و اگر اشتباه جواب می‌داد، شدیداً مجازات می‌شد» (مطیعیان، ۱۳۶۹: ۴۳۳-۴۴۴).

بهره‌برداری از تلویزیون صرفاً برای سوق دادن اسرا به امور مبتذل نبود. با تکیه بر همین خاطرات شاهدیم که نیروهای عراقی از مصاحبه‌های اجباری رزمندگان اسیر و پخش آن در تلویزیون و رسانه‌های دیگر برای شکنجه روحی اسرا و تفرقه‌افکنی بین آن‌ها و همچنین القای نیت خود به جامعه بین‌المللی بهره بسیاری می‌برده است. برای مثال، یوسف‌زاده از نوجوانان

اسیر درباره این مسئله روایت کرده: «یک شب مجید هرندی با آب‌وتاب ماجراهای اردوگاه عنبر را برایمان تعریف کرد. آن‌جا هم عراقی‌ها از اسرای نوجوان برای تبلیغات استفاده کرده بودند و بارها به زور آن‌ها را فرستاده بودند جلو دوربین، بعد در روزنامه‌ها از «اعزام اجباری» آن‌ها به جبهه هر چه دلشان خواسته بود نوشته بودند» (یوسف‌زاده، ۱۳۹۷: ۵۵)

یوسف‌زاده حتی یک حوض کوچک دست‌ساز اسرا و ماهی‌های آن را وسیله‌ای می‌دانست که عراقی‌ها از آن بهره‌برداری می‌کردند و لذا از سوی اسرای اردوگاه از بین برده شد: «ماهی‌ها توی حوض آب بی‌آنکه بدانند وسیله‌ای شده بودند برای تبلیغات عراقی‌ها که جلوی فیلم‌بردارهای خارجی بگویند برخوردار ما با اسرای ایرانی بهتر از ایرانی‌ها با اسرای عراقی است. همه این‌ها باعث شد یک روز قبل از آمار یک نفر پنج قالب صابون بیندازد توی حوض. صبح روز بعد وقتی رفتیم بیرون ماهی‌ها وارونه روی آب بودند و شکم سفیدشان زیر نور آفتاب برق می‌زد همه مرده بودند» (همان: ۱۰۵).

استفاده عراقی‌ها از رسانه برای تخریب جسم و روح اسیران و دسترس نبودن رسانه‌های معتبر برای اطلاع از جهان خارج از اردوگاه نیز از مسائلی است که در خاطرات اسرا به‌عنوان یک خشونت روحی از آن‌ها یاد شده است. ربیعی در این باره روایت کرده: «شایعات تنگنای اسارت در زمینه دریافت خبرهای بیرونی، عامل مهمی در ایجاد شایعه شده بود. یکی از بدترین مشکلات اسرا بی‌خبری از خانواده و جهان خارج از اردوگاه بود. در دسترس نبودن رسانه‌های گروهی، از جمله روزنامه باعث شد بعضی‌ها به‌راحتی در اوایل اسارت بتوانند با ساختن شایعه ضربات خردکننده‌ای بر روحیه اسرا وارد کنند (ربیعی، ۱۳۸۵: ۸۷).

همان‌گونه که گفته شد، این خاطرات روایتی روشن از بازنمایی اسرای دربند از انواع خشونت‌های تحمیل‌شده بر آن‌ها در مدت گاه بسیار طولانی اسارت است؛ خشونت‌هایی که هرچند سعی شد از هم تفکیک و شده و تحلیل شوند، به‌واقع این امر مسئله‌ای شکننده محسوب می‌شود؛ زیرا اغلب شکنجه‌های فیزیکی با خشونت‌های روحی نیز همراه بوده و جسم و جان این قربانیان به بدترین شیوه ممکن مورد آزار دشمن متخاصم قرار داشته است.

به‌عنوان یکی دیگر از این روایت‌های دردناک برای بخش پایانی این پژوهش، در این قسمت می‌توان به نوشتار مؤلف پایایی که *جا ماند* استناد کرد. وی درباره یکی از این شکنجه‌های ترکیبی نوشته است: «برای چندمین بار بازجوهای عراقی وارد زندان شدند دژبان‌ها برای آنان روی میز میوه چیده بودند. یک پارچ شربت پرتقال هم کنار میوه‌ها بود. مقابل جان عطش‌زده ما شربت می‌نوشیدند و میوه می‌خوردند و حرص مان را درمی‌آوردند. سرتیپ مرتب نام هاشمی را به زبان می‌آورد و می‌گفت ما دنبال علی هاشمی هستیم. گویا آن‌ها به این راحتی

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۷۱

ردیف	کتاب‌های انتخابی انواع شکنجه	۳۰۰روز اسارت	آخرین شناسایی	اردوگاه اطفال	برزخ اسارت	دیوار غربت	عنبر	پایی که جا ماند	آزادی زیباترین لحظه زندگی	فراوانی
۸	شوک الکتریکی	*	*			*				۶
۹	سیلی زدن به گوش‌ها	*	*			*				۶
۱۰	عدم رسیدگی به بیماری‌های واگیردار مانند گال و...	*		*	*		*	*	*	۶
۱۱	بی‌توجهی به سوء تغذیه	*								۱
۱۲	فراوانی بیماری‌های گوارشی، عفونت روده‌ای، پوکی استخوان و...	*		*			*	*		۴
۱۳	نبودن توالت در آسایشگاه‌ها و تحمل بوی نامطبوع مدفوع و ادرار در سطل‌ها به مدت ۱۸ ساعت در شبانه‌روز	*		*	*		*	*		۴
۱۴	استفاده هم‌زمان از سطل ادرار به‌عنوان سطل آب‌خوری در سال‌های اولیه اسارت	*								۱
۱۵	تونل وحشت	*	*	*	*	*	*	*		۷
۱۶	خیس کردن اسرا و سپس تنبیه بدنی		*			*				۲
۱۷	شلاق زدن به کف پاها (فلک کردن)		*							۱
۱۸	صندلی الکتریکی		*							۱
۱۹	نصب بلندگو در آسایشگاه‌ها		*							۱
۲۰	تزریق واکسن ناشناس		*							۱
۲۱	آویزان کردن از سقف		*							۱
۲۲	قرار دادن اسیر در گونی و تنبیه او		*							۱
۲۳	توزیع غذای فاسدشده بین اسرا			*						۱

۷۲ / بازنمایی خشونت نظامیان عراقی در خاطره‌نگاشته‌های اسرای ایرانی جنگ/دفاع مقدس / حسنی فر و ...

ردیف	کتاب‌های انتخابی انواع شکنجه	۳۰۰روز اسارت	آخرین شناسایی	اردوگاه اطفال	برزخ اسارت	دیوار غربت	عنبر	پایی که جا ماند	آزادی زیباترین لحظه زندگی	فرآوانی
۲۴	سوزاندن پاها با اتوی برقی			*						۱
۲۵	وادار به راه رفتن روی سنگ‌ریزه‌ها با پاهای سوزانده‌شده			*						۱
۲۶	نشاندن اسرا در گرمای شدید زیر نور آفتاب برای ساعت‌های متمادی			*						۱
۲۷	دفن کردن اسرا تا گردن زیر خاک			*					*	۲
۲۸	خودکشی اسرا بر اثر فشارهای روحی روانی			*					*	۲
۲۹	قتل یکی از اسرا توسط اسیر دیگری			*						۱
۳۰	قطع کردن برق در گرمای طاقت‌فرسا			*						۱
۳۱	فروکردن میله آهنی در محل مجروحیت اسیر					*	*			۲
۳۲	تنبیه اسرا با استفاده از کابل‌های مسی					*	*	*		۳
۳۳	انداختن اسرا در فاضلاب و هم‌زمان زدن آنها					*		*		۲
۳۴	استفاده از جسد اسرا برای تشریح برای دانشجویان پزشکی عراقی					*				۱
۳۵	استفاده از پناهندگان و روحانیان فراری به عراق برای وارد کردن فشار روحی به اسرا					*				۱
۳۶	نداشتن دسترسی اسرا به نامه‌های ارسالی از ایران به‌سبب گماشتن منافقان در ادارهٔ سانسور عراق					*	*			۲

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۷۳

ردیف	کتاب‌های انتخابی انواع شکنجه	۳۰۰روز اسارت	آخرین شناسایی	اردوگاه اطفال	برزخ اسارت	دیوار غربت	عنبر	پایی که جا ماند	آزادی زیباترین لحظه زندگی	فراوانی
۳۷	استفاده از یک سرنگ برای آمپول‌زدن به ۳۰ تا ۴۰ نفر						*			۱
۳۸	کشیدن دندان بدون بی‌حسی						*			۱
۳۹	حمام با آب سرد در زمستان						*			۱
۴۰	سوزاندن جنازه شهدای در میدان نبرد						*			۱
۴۱	اجرای نمایش صوری اعدام اسرا						*			۱
۴۲	بیگاری کشیدن از اسرا						*			۱
۴۳	آویزان کردن اسرا به حلقه‌های پنکه سقفی و زدن آن‌ها						*			۱
۴۴	وادار کردن اسرا به کلاغ‌پر و غلتاندن روی زمین و زدن آن‌ها						*			۱
۴۵	لخت کردن اسرا و خواباندن آن‌ها روی آسفالت داغ و راه رفتن روی بدن آن‌ها						*			۱
۴۶	بی‌خبری از خانواده و جهان بیرون از اردوگاه							*		۱
۴۷	نگهداری اسرا در زیر آفتاب سوزان در ماه رمضان و بدون دلیل موجه								*	۱
	فراوانی براساس هر کتاب	۱۵	۱۳	۱۱	۵	۱۱	۱۳	۱۳	۷	

جدول ۴: مشابهت‌های نوع شکنجه از نگاه خاطرنگار

ردیف	نوع شکنجه	کتب مشترک	فراوانی
۱	گرسنگی و تشنگی دادن به اسرا	۳۰۰۰روز اسارت، آخرین شناسایی، آزادی زیباترین لحظه زندگی	۳
۲	نمایش فیلم‌های مستهجن	پایی که جا ماند، عنبر، دیار غربت، برزخ اسارت	۶
۳	پخش شایعات درباره مسائل ایران	۳۰۰۰روز اسارت، اردوگاه اطفال، آزادی زیباترین لحظه زندگی	۳
۴	تیراندازی به اسرا هنگام درگیری	۳۰۰۰روز اسارت، آخرین شناسایی، عنبر	۳
۵	شوک الکتریکی	۳۰۰۰روز اسارت، آخرین شناسایی، دیار غربت	۳
۶	سیلی زدن به گوش‌ها	۳۰۰۰روز اسارت، آخرین شناسایی، دیار غربت	۳
۷	عدم رسیدگی به بیماری‌های واگیردار مانند گال و...	۳۰۰۰روز اسارت، اردوگاه اطفال، برزخ اسارت، عنبر، پایی که جا ماند، آزادی زیباترین لحظه زندگی	۶
۸	فراوانی بیماری‌های گوارشی، عفونت روده‌ای، پوکی استخوان و...	۳۰۰۰روز اسارت، اردوگاه اطفال، عنبر، پایی که جا ماند	۴
۹	عدم وجود توالت در آسایشگاه‌ها و تحمل بوی نامطبوع مدفوع و ادرار در سطح‌ها به مدت ۱۸ ساعت در شبانه‌روز	۳۰۰۰روز اسارت، برزخ اسارت، عنبر، پایی که جا ماند	۴
۱۰	تونل وحشت	پایی که جا ماند، عنبر، دیار غربت، برزخ اسارت، اردوگاه اطفال، آخرین شناسایی، ۳۰۰۰روز اسارت	۷
۱۱	خیس کردن اسرا و سپس تنبیه بدنی	آخرین شناسایی، دیار غربت	۲
۱۲	دفن کردن اسرا تا گردن زیر خاک	اردوگاه اطفال، آزادی زیباترین لحظه زندگی	۲
۱۳	خودکشی اسرا بر اثر فشارهای روحی روانی	اردوگاه اطفال، آزادی زیباترین لحظه زندگی	۲
۱۴	فروکردن میله آهنی در محل مجروحیت اسیر	عنبر، دیار غربت	۲
۱۵	تنبیه اسرا با استفاده از کابل‌های مسی	پایی که جا ماند، عنبر، دیار غربت	۳
۱۶	انداختن اسرا در فاضلاب و هم‌زمان زدن آن‌ها	دیار غربت، پایی که جا ماند	۲
۱۷	عدم دسترسی اسرا به نامه‌های ارسالی از ایران به سبب گماشتن منافقین در اداره سانسور عراق	دیار غربت، عنبر	۲



نمودار ۱. مشابهت‌های نوع شکنجه از نگاه خبرنگاران

نتیجه‌گیری

خشونت واقعیت انکارناپذیر تمام جوامع در طول دوره‌های مختلف تاریخی آن است. گروهی از نظریه پردازان خشونت را ذاتاً امری سیاسی می‌دانند، لذا خشونت سیاسی را می‌توان از تقسیم‌بندی‌های مهم مرتبط با انواع خشونت دانست که خود شامل دسته‌بندی‌هایی مبنی بر خشونت هدف‌مند و بی‌هدف، خشونت آشکار و پنهان، خشونت فردی و ساختاری، خشونت فیزیکی و روانی می‌شود. همچنین جنگ را می‌توان خشونت سیاسی بسیار سازمان‌یافته بازتعریف کرد و اسرا را به‌عنوان یکی از قربانیان این خشونت دانست. برای مثال در تاریخ معاصر ایران شاهدیم که در طول جنگ تحمیلی هشت‌ساله و حتی سال‌های بعد از آتش‌بس، حکومت بعثی عراق به‌دلیل نرسیدن به اهداف مدنظر خود در جنگ، بیشترین خشونت را برای انتقام‌جویی در حق اسرای ایرانی دربرند، اعمال کرد.

خاطرات خودنگاشت اسرا، اسنادی تاریخی و ارزشمند برای شناخت این بُعد غیرانسانی جنگ است و با تحلیل بخش کوچکی از آن‌ها در پژوهش حاضر، به داده‌هایی رسیدیم که نشان از گستردگی اعمال خشونت در انواع شکنجه‌های جسمی و روحی بوده است. شکنجه‌هایی چون ضرب و شتم شدید با انواع وسایل سخت، اعمال محدودیت‌های دارویی برای اسرای بیمار و عدم توجه به بهداشت اردوگاه‌ها و همچنین ایجاد محدودیت در انجام

مناسک مذهبی و سعی در آلوده کردن اسرا به مسائل مبتذل از مواردی است که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد و می‌توان آن‌ها را نمود عینی شکنجه‌های روحی دانست که در این خاطرات به فراوانی به آن‌ها اشاره شده است. همچنین با آنکه با تنوع قومیتی، پایگاه اجتماعی، رسته نظامی متفاوت و تفاوت در تحصیلات راویان خاطره‌نگار مواجهیم، اما آثارشان بیش از آنکه دارای تنوع روایتی از حوادث مختلف باشد، آثاری با روایت‌های یکسان از حوادث مشابه است که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین داده‌های پژوهش باید به آن اشاره کرد. مقاله حاضر در ساحت آکادمیک رشته تاریخ، جزو اولین پژوهش‌های مرتبط با معرفی و تحلیل خودنگاشت‌های اسرای جنگ تحمیلی به‌عنوان منابع تاریخ‌نگارانه است و این شناخت بدون‌شک کمک‌رسان پژوهش‌های مهم‌تری در این عرصه می‌تواند باشد. امید که دیگر پژوهشگران با جدی‌گرفتن این مسئله تاریخ معاصر ایران، پژوهش‌های پربارتری در این زمینه انجام دهند.

منابع

- پیوندی، سعید (۱۳۸۴) «نقد خشونت سیاسی در ایران»، *بازتاب اندیشه*، (۶۹)، ۷۵-۸۸.
- حسینی، محمدرضا (۱۳۸۷) ۳۰۰۰ *روز اسارت*، تهران: لشکر ۴۱ ثارالله.
- حسینی‌پور، ناصر (۱۳۹۱) *پایی که جا ماند*، تهران: سوره مهر.
- حضرتی، حسن (۱۳۹۱) *روش پژوهش در تاریخ‌شناسی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- حیدری‌چروده، مجید (۱۳۸۹) «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر رفتار قربانیان خشونت و ارتباط آن با رفتار خشونت‌آمیز علیه آنان»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، (۲)، ۵۵-۷۹.
- دهنوی، علیرضا (۱۳۷۲) *برزخ اسارت*، تهران: حوزه هنری.
- ربیعی، حسین (۱۳۸۵) *آزادی زیباترین لحظه زندگی*، تهران: شاهد.
- زارع، حکیمه (۱۳۸۸) *بررسی تأثیر سیاست‌گذاری فرهنگی بر گرایش به خشونت در فوتبال ایران سال ۹۷*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه الزهراء(س).
- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۰) «ممنوعیت شکنجه در حقوق اسلام»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی* دانشگاه شیراز، ۱۷(۳۳)، ۱-۱۸.
- صالحی، شیوا (۱۳۹۱) «بررسی نقش زنان در جنگ ایران و عراق»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- عابدی‌اردکانی، محمد؛ الله‌دادی، نفیسه (۱۳۹۷) «کارل اشمیت و تئوریزه کردن خشونت»، *غرب‌شناسی بنیادی*، ۹(۱۷)، ۱۱۵-۱۳۹.
- عسکری، کنیزرضا (۱۳۹۳)، «تجربه زیسته مادران شهدای جنگ عراق و ایران در شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه الزهراء(س).

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۷۷

- مبهوتی، احمد (۱۳۸۸) *دیوار غربت*، تهران: پیام بازرگان.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳) *وندالیسم*، تهران: انتشارات آن.
- مطیعیان، مجید (۱۳۶۹) *آخرین شناسایی*، تهران: حوزه هنری.
- مقدم، جاسم (۱۳۸۴) *عنبر*، تهران: پیام آزادگان.
- هزاوه‌ای، محمدرضا (۱۳۸۳) «معناشناسی خشونت»، تهران: *مطالعات راهبردی زنان*، (۲۳)، ۴۰-۱۳.
- یوسف‌زاده، احمد (۱۳۹۷) *اردوگاه اطفال*، تهران: سوره مهر.
- رابرت گر، تد (۱۳۸۸) *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۸) *خشونت سیاسی؛ نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها*، تهران: قطره.
- مارتین، والاس (۱۳۹۱) *نظریه‌های روایت*، ترجمه محمد شهباز، تهران: هرمس.
- مرادی، علیرضا (۱۳۹۰) *تحلیل گفتمان سینمای جنگ با تأکید بر آثار ابراهیم حاتمی‌کیا*، پایان‌نامه علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران.

List of sources with English handwriting

- Abedi Ardakani, Mohammad, Allahdadi, Nafiseh (2017), " Carl Schmitt and theorization of violence", Journal of Fundamental Western Studies, 9th year, No.1,115-139.
- Askari, Kanizreza (2014), "The lived experience of the mothers of the martyrs of the Iraq and Iran wars in Tehran", Master's thesis of AlZahra University.
- Dehnavi, Alireza (1372), Barzaq-e Esārat, Tehran, artistic field.
- Fakuhi, Nasser (1378), political violence; Theories, topics, forms and solutions, Tehran, Našr-e Qatreh.
- Gurr, Ted Robert (2008), Why men rebel, translated by Ali Morshidizadeh, Tehran, Strategic Studies Research Institute.
- Hasani, Mohammad Reza (1387), 3000 days of captivity, Tehran, Lashkar 41 Tharullah.
- Hazrati, Hassan (2012), research method in historiography, Tehran, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research School.
- Heydari Charvadeh, Majid (2009), " Violence against Women, a Sociological Study of Victim's Role in Escalating the Situation", Iran's social issues survey, first year, number 2.
- Hezavei, Mohammad Reza (2013), "A Semantic study of Violence", Tehran, Womens Strategic Studies, No. 23.
- Hosseini, Nasser (2013), Pāei ke jā Mānd, Tehran, Sūrah Mehr.
- Mahboubi, Ahmad (2008), Dīyār-e ġorbat, Tehran, Payām-e Azadegān.
- Martin, Wallace (1391), Recent theories of narrative, translated by Mohammad Shahba, Tehran, Hermes.
- Moghadam, Jassem (2004), Anbar, Tehran, Payām-e Azadegān.
- Mohseni Tabrizi, Alireza (2004), Vandalism, Tehran: Ann Publications.
- Moradi, Ali-Reza (2018), Discourse analysis of war cinema with an emphasis on the works of Ebrahim Hatami-Kiya, Thesis of Social Communication Sciences, University of Tehran.
- Motiyān, Majid (1369), the last identification, Tehran, art field.
- Peivandi, Saeed (2004), "Criticism of political violence in Iran", Bāztāb-e Andīšeh, No. 69.
- Rabiei, Hossein (2006), Freedom is the most beautiful moment of life, Tehran, Shahid.
- Sadeghi, Mohammad Hadi (2008), " THE PROHIBITION OF TORTURE IN ISLAMIC LAW", Shiraz, Journal of Social and Human Sciences of Shiraz University, 17th period, number 1 (series 33).
- Salehi, Shiva (2012), "Evaluation of the role of women in the Iran-Iraq war", master's thesis of Islamic Azad University, central Tehran branch.
- Yusef Zadeh, Ahmad (2017), Children's camp, Tehran, Sūrah Mehr.
- Zare, Hakimeh (2008), "Investigating the effect of cultural policy on the tendency to violence in Iranian football in 1997", Master's thesis of alZahra University.



Representation of Iraqi military violence in memoirs of Iranian prisoners of war/holy defenses¹

Abdolrahman Hassanifar²
Alireza Mollaiy Tavany³
Saeed Najjar⁴

Received: 2021/04/06
Accepted: 2021/10/14

Abstract

Iraq's failures on the front lines of the war against Iran on the one hand, and the violence of the Iraq's Baathist government, on the other hand, have led that the government of this country to inflict the most violence on a group of war victims, namely, prisoners of war, in order to exercise its power. Iranian prisoners were detained in centers announced, hidden, or used in retaliation by the ruling regime in Iraq. The purposeful execution of this behavior, which can have categorized as political violence, can also be considered a social problem that is a product of the environment and Fable is divided into types of physical, psychological, personal and structural violence. The current research aims to use a descriptive-analytical approach, how the types of violence can be represented in the memoirs of Iranian prisoners of war. The prevalence of physical violence in the form of all types of physical torture, the application of drug restrictions for sick prisoners and the lack of attention to the health of the camps, as well as creating restrictions on performing religious rituals and trying to infect the prisoners with vulgar issues as an objective manifestation of mental torture, is one of the issues that are frequently mentioned in these memories they have been mentioned and can be mentioned as part of the research data, Data that still show the lack of significant differences in the narration of events with all the class, ethnic and social differences of the memoirists, and in a way, the can be mentioned with the same title of narration.

Keywords: Holy defense, Self-portrait, Prisoners of war, violence, Political violence

1. DOI: 10.22051/HPH.2021.36731.1542

2. Assistant professor, Institute of Human Sciences and Cultural studies, Tehran, Iran. hassanifar@yahoo.com

3. Professor, Research Institute of Human sciences and cultural studies, Tehran, Iran. ar.mollaiy@ihsc.ac.ir

4. Phd student of Islamic Iranian history, Research Institute of Humanities and Cultural studies Tehran, Iran (Author). saeednajjar61@yahoo.com

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507